

درس هفتاد و سوم – نگاهی به افعال **sprechen, reden, sagen, erzählen, erklären** در زبان آلمانی

written by مرتضی غلام نژاد | اکتبر 29, 2018

سلام دوستان ، می خواهیم با هم در این درس نگاهی داشته باشیم به افعال **sprechen, reden, sagen, erzählen, erklären** و همچنین با نحوه استفاده از آنها و تفاوت ها بیشتر آشنا شویم.

sprechen سخن گفتن ، حرف زدن ، **صحبت کردن** ، تکلم کردن ، گفتگو کردن ، سخنرانی کردن ، به زبان آوردن

reden **حرف زدن** ، صحبت کردن ، گفتن

sagen **گفتن** ، اظهار نظر کردن ، فرمودن ، بازگو کردن ، بر زبان آوردن ، تعریف کردن ، بیان کردن ، بروز کردن

erzählen گزارش دادن ، بازگو کردن ، خبر دادن ، روایت کردن ، داستان **تعریف کردن** ، قصه گفتن

erklären **توضیح دادن** ، شرح دادن ، توصیف کردن ، تشریح کردن ، روشن کردن ، دلیل آوردن ، بازگو کردن ، اظهار کردن ، چیزی را با صفتی توصیف کردن

اگر توجه کرده باشید ، پی خواهید برد که افعال بالا معانی مشابهی در زبان فارسی دارند ، و همین مشابه بودن می تواند گاهی دچار سردرگمی ما در نحوه استفاده از آنها شود. اما نگران نباشید، در این درس می خواهیم روشن تر و دقیق تر با مثال های بیشتر در ارتباط با هر کدام از این افعال و نحوه صحیح استفاده از آنها آشنا شویم.

گذشته ساده فعل **sprechen** می شود **sprachen** و گذشته کامل آن می شود **haben gesprochen**

mit einem Akzent sprechen

با یک لهجه خاصی **صحبت کردن** ، با یک شکل خاصی کلمات را به زبان آوردن

bei einer Veranstaltung sprechen

در یک نشست یا گردهمایی سخنرانی کردن ، **صحبت کردن**

Mit jemandem sprechen

با کسی صحبت کردن

Mit jemanden über alles sprechen können

با کسی در مورد همه چیز بتوان صحبت کردن

Über wen sprecht ihr?

شما ها درباره چه کسی صحبت می کنید؟

Unser Kind kann noch nicht sprechen

بچه ما هنوز نمی تواند صحبت کند

Er war so heiser, dass er kaum sprechen konnte

او صداش خیلی گرفته بود ، که می توانست به سختی صحبت کند.

Vor Aufregung nicht sprechen können

از عصبانیت و خشم نشود صحبت کرد

Laut sprechen بلند صحبت کردن

deutlich sprechen واضح و روشن صحبت کردن

flüsternd sprechen پچ پچ گونه صحبت کردن

durch die Nase sprechen تو دماغی صحبت کردن

Ins Mikrophon sprechen در میکروفن صحبت کردن

Deutsch, englisch, persisch sprechen

آلمانی ، انگلیسی ، فارسی صحبت کردن

Mit leichtem Akzent **sprechen**

با لهجه جزئی صحبت کردن

Ich habe noch mit dir zu sprechen

من هنوز با تو صحبت نکرده ام

Sie sprach vom letzten Urlaub

او از آخرین تعطیلات صحبت میکند

Davon hat er schon oft gesprochen

او از آن بارها صحبت کرده است.

Darüber hat er schon oft gesprochen

او در آن مورد اغلب صحبت کرده است.

پس همانطور که دیدید در ارتباط با **sprechen** بیشتر و نزدیک تر به مفهوم **صحبت کردن** در زبان فارسی بود.

گذشته ساده فعل **reden** می شود **redeten** و گذشته کامل آن می شود **haben geredet**

Unsinn reden

حرف مفت زدن

bei einer Veranstaltung reden

در یک نشست یا گردهمایی حرف زدن

Mit jemandem über alles reden können

با کسی در مورد همه چیز بتوان حرف زد

Über etwas nicht reden dürfen

در مورد چیزی اجازه **حرف زدن** نداشتن

Von wem redet ihr?

از چه کسی **حرف میزنید** شما ها ؟

Laut reden بلند **حرف زدن**

Leise reden آهسته **حرف زدن**

Ununterbrochen reden مداوم **حرف زدن**

Stundenlang reden ساعت ها **حرف زدن**

Kein Wort rede

یک کلمه هم **حرف نزدن**

Redet nicht so viel!

خیلی حرف نزن!

Er muss dauernd reden

او باید پشت سر هم **حرف بزند** - مرتباً **حرف بزند**

Erst nachdenken, dann reden!

اول فکر کن بعد حرف بزن!

Er lässt mich nicht zu Ende reden

او نمیذاره **حرفم** را به انتها ببرم

او اجازه نمیده من تا آخر حرف بزنم

Sie redete nur Unsinn

او فقط حرف مفت میزد

پس همانطور که دیدید در ارتباط با **reden** بیشتر و نزدیک تر به مفهوم **حرف زدن** در فارسی است ، یعنی همانطور که در فارسی ما می توانیم در مورد کسی صحبت کنیم به همان شکل نیز می توانیم در مورد کسی حرف هم بزنیم.

تنها یک تفاوت میان **reden** و **sprechen** وجود دارد که آن هم در ارتباط با **زبانی را صحبت کردن** است که ما همیشه باید از **sprechen** استفاده کنیم و فقط در این مورد است که نمی توانیم این دو فعل را جایگزین یکدیگر کنیم.

Ich spreche Deutsch من آلمانی صحبت میکنم ، هر چند می توانم در فارسی بگویم Ich rede Deutsch من آلمانی حرف میزنم اما مفهوم واقعی جمله آنچنان که باید و شاید به دل شنونده آلمانی زبان نمی نشیند ، پس بهتر است تنها در این مورد **reden** را جایگزین **sprechen** نکنیم. در دیگر موارد همانند فارسی مهم نیست ، چه من بگویم ، آرام حرف میزنیم ، چه بگویم : آرام صحبت میکنم.

پس تا اینجای درس دو فعل **sprechen** و **reden** را با هم مورد بررسی قرار دادیم.

گذشته ساده فعل **sagen** می شود **sagten** و گذشته کامل آن می شود **haben gesagt**

Die Wahrheit sagen

حقیقت را گفتن

Etwas offen sagen

چیزی را بی پرده گفتن

Etwas ehrlich sagen

چیزی را بی ریا و صادقانه گفتن

Guten Tag/Auf Wiedersehen sagen

روز بخیر ، خدانگهدار گفتن

Sagen, wie spät es ist

بگوییم ساعت چند است

Etwas laut sagen چیزی را بلند گفتن

Etwas leise sagen چیزی را آهسته گفتن

Etwas deutlich sagen چیزی را روشن و واضح گفتن

Was hat sie gesagt?

او (مونث) چی گفت ؟

Er sagte nur : Mir ist es egal

او (مذکر) فقط میگفت : برام مهم نیست

Davon habe ich nichts gesagt

من از اون (در اون مورد) هیچ چیزی نگفتم

was?, wie kann man noch dazu sagen?

چی ؟ چگونه آدم می تواند همچنان از آن (در آن مورد چیزی) بگوید؟

Du kannst ruhig zu mir sagen

تو می توانی خونسرد به من بگویی

پس همانطور که دیدید در ارتباط با **sagen** بیشتر و نزدیک تر به مفهوم **گفتن** در فارسی بود ، یعنی همانطور که در فارسی می توانیم آهسته صحبت کنیم ، آهسته حرف بزنیم ، به همان شکل نیز می توانیم آهسته چیزی را بگوییم.

پس تا اینجا درس تمرکز **sprechen** به روی صحبت کردن بود و تمرکز **reden** به روی حرف زدن و تمرکز **sagen** به روی

گفتن.

زمان گذشته ساده فعل **erzählen** می شود **erzählten** و گذشته کامل آن می شود **haben erzählt**

Märchen erzählen

افسانه یا داستان تخیلی را **تعریف کردن** یا روایت کردن

Eine Geschichte erzählen

یک حادثه یا حکایت یا داستانی را **تعریف کردن** یا روایت کردن

Einen Witz erzählen

یک جک یا لطیفه را **تعریف کردن** یا روایت کردن

Ein Film erzählt von etwas

یک فیلمی از چیزی **تعریف کند** ، یک فیلمی از چیزی روایت کردن

Etwas spannend erzählen

چیز قابل توجه و جالبی را **تعریف کردن** ، حکایت کردن

Ein Geheimnis niemandem erzählen dürfen

اجازه **تعریف** یک راز را به کسی نداشتن

Gut erzählen können

خوب **تعریف کردن** را توانستن

Den Kindern ein Märchen erzählen

به بچه ها یک داستان تخیلی را **تعریف کردن**

Aus seinem Leben erzählen

از زندگی اش **تعریف کردن** یا روایت کردن

همانطور که دیدید فعل **erzählen** بیشتر در فارسی به مفهوم **تعریف کردن** یا روایت کردن یعنی تمرکز این فعل نیز بیشتر و اغلب به روی همین دو معنی در فارسی است.

گذشته ساده فعل **erklären** می شود **erklärten** و گذشته کامل آن می شود **haben erklärt**

این فعل بسیار مشابه به **erzählen** است اما با این توضیح که تمرکز این فعل به روی شرح دادن یا توصیف کردن یک ماجراست ، مثلاً گاهی من در فارسی یک داستان را برایتان تعریف میکنم یعنی در اینجا از **erzählen** استفاده کردم ، اما زمانی است من در مورد یک درس گرامری می خواهم به طور کلی برایتان شرح دهم یا توضیح کاملی از آن به شما بدهم تا برایتان واضح و روشن شود ، یعنی در اینجا من از **erklären** استفاده کرده ام.

به مثال های زیر توجه کنید :

Etwas genau erklären

چیزی را دقیق شرح دادن ، **توضیح دادن**

Etwas kurz erklären

چیزی را کوتاه **توضیح دادن** ، شرح دادن

Einen Text oder ein Bild erklären

یک نوشته یا یک عکس را شرح دادن , **توضیح دادن**

Etwas psychologisch erklären

چیزی را از لحاظ روان شناسی **توضیح دادن** ، شرح دادن

Sie erklärt mir, warum sie nicht kommen könnte

او به من توضیح میدهد ، چرا نمی تواند بیاید

نکته : فعل erklären می تواند با sich ترکیب شود یعنی یک فعل انعکاسی شود و مفهوم های زیر را به خود بگیرد

ابراز عشق کردن ، خود را موافق یا مخالف نشان دادن

مثال :

Erkläre dich deutlicher

روشن تر موافق یا مخالف بودن را توضیح بده

خلاصه درس :

درست است که افعال بالا معانی و مفهوم های مشابه به یکدیگر را داشتند اما همانطور که ما می توانیم آنها را در فارسی ، بیشتر مواقع جایگزین یکدیگر کنیم ، به همان شکل نیز در آلمانی می توانیم.

برای مثال ، من در فارسی می توانم یک داستان را **تعریف کنم** ، یا یک داستان را **شرح دهم** یا اینکه از یک داستان **حرف بزنم** **صحبت کنم** ، یا اصلاً یک داستان را **بگویم** . می بینید که من از تمام افعال بالا استفاده کردم ، پس بنابراین دیگر معنی و مفهوم های آن ، بازی با کلمات است و بیشتر آدم را دچار سر در گمی میکند.

در کل افعال زیر توجه و تمرکزشان اینگونه است :

sprechen صحبت کردن

reden حرف زدن

sagen گفتن

erzählen تعریف کردن

erklären توضیح دادن

چنانچه شما نیز در ارتباط با این درس، مثال یا سوالی دارید ، می توانید در بخش نظرات درج کنید.

موفق باشید.